

جشنی برای سالگرد ثبت ملی زبان سمنانی

ایران کلباسی^۱ (استاد بازنشسته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۹/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵، تاریخ انتشار: ۱۴۰۱

۱ مقدمه

من در تاریخ ۳۰ دی ماه ۱۳۹۸ از طرف انجمن دوستداران میراث فرهنگی و طبیعی سمنان، به‌ویژه برای پاسداشت سومین سالگرد ثبت ملی زبان سمنانی در سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری ایران به سمنان دعوت شدم. این مراسم که بسیار باشکوه بود با حضور جمع کثیری از سمنانی‌های عزیز برگزار شد و همراه با نمایشگاه عکس‌های تاریخی و برنامه‌های شاد توسط تعدادی از هنرمندان ملی انجام گردید. در آن روز تعدادی از اساتید دانشگاه سمنان و نیز فرهیختگان این شهر به ایراد سخنرانی پرداختند. در اینجا جا دارد از دوست و همکار عزیزم، روانشاد خانم دکتر عصمت اسماعیلی، استاد بنام رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی و نیز مدیر گروه این رشته در دانشگاه سمنان نام ببرم که پیام رئیس دانشگاه سمنان را درباره‌ی این جشن و علت آن گردهمایی قرائت کردند. متأسفانه کرونا این عزیز را هم از ما و از جامعه‌ی علمی کشورمان ربود. من یک‌بار دیگر فقدان ایشان را به همه‌ی همکاران علمی و دانشگاهی ایران و نیز به خانواده و دوستان ایشان تسلیت می‌گویم. خانم دکتر اسماعیلی با اینکه خود اهل زنجان بودند ولی علاوه بر تخصص به زبان و ادبیات فارسی، علاقه‌ی وافری به گویش‌های ایرانی و به‌ویژه گویش‌های استان سمنان داشتند و جزو افرادی بودند که برای ثبت زبان سمنانی فعالیت‌های چشمگیری انجام داده‌اند. ایشان در آذرماه ۱۳۸۹ همایش

1. banoirankalbasi@gmail.com

بین‌المللی گویش‌های کویری ایران را به نحو بسیار باشکوهی در دانشگاه سمنان برگزار کردند که من و دکتر ثمره عزیز هم در آن همایش شرکت کردیم.

من در جشن ثبت ملی زبان سمنانی در یک سخنرانی، ضمن ابراز شادمانی، همراهی با شور و شعف اهالی عزیز سمنان برای این مناسبت، به طور ضمنی بیان داشتم که با توجه به اینکه در سرزمین ایران گویش‌های فراوانی وجود دارند که همه‌ی آنها جزو میراث فرهنگی ما به حساب می‌آیند، امیدواریم روزی برسد که بتوانیم علاوه بر سمنانی، همه‌ی گویش‌هایمان را نه تنها در سازمان میراث فرهنگی بلکه به ثبت جهانی برسانیم.

سخنرانی من در آن روز شامل چهار بخش بود. در بخش اول به تعریف اصطلاحاتی چون زبان به طور کلی، زبان گفتاری، لهجه، گویش، گونه‌ی زبان، زبان مادری، زبان رسمی یا ملی، زبان معیار و زبان‌های محلی پرداختم. در بخش دوم درباره‌ی خطر انقراض زبان‌های محلی و راه‌های جلوگیری از مرگ آنها بحث کردم. در بخش سوم به ویژگی‌های مهم زبان سمنانی پرداختم و در بخش پایانی شعر زیبایی از شادروان، شاعر و نویسنده‌ی معروف سمنانی، محمد احمد پناهی سمنانی که در کتاب او به نام دویستی‌های بومی سرایان ایران در صفحه‌ی ۵۶ در سال ۱۳۷۹ چاپ شده، به زبان سمنانی همراه با برگردان آن به فارسی خواندم.

امروز در همایش گویش‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی^۱ این مطالب را بسیار مختصرتر و با مثال‌های کمتری ارائه می‌کنم؛ یعنی فقط تعریف کوتاهی از زبان، لهجه و گویش و نیز چند مثال از ویژگی‌های زبان سمنانی بیان می‌کنم و از ۱۲ بیت شعر سمنانی ذکر شده فقط ۲ بیت آن را برایتان می‌خوانم. ممکن است این پرسش برای شما پیش آید که چرا باز هم تعریف زبان، لهجه و گویش را مطرح می‌کنم، چون تعریف این اصطلاحات را دیگر همه‌کس به ویژه زبان‌شناسان و گویش‌شناسان می‌دانند. پاسخ این است که متأسفانه تعاریف متفاوتی از این اصطلاحات تاکنون انجام شده و حتی بعضی از آنها بقیه تعاریف را نقض کرده‌اند. من در اینجا تنها نظر خود را درباره‌ی این سه اصطلاح مجدداً بیان می‌کنم.

تعریف چند اصطلاح زبانی

زبان گفتاری (Spoken language)

نظامی است که به کمک تعداد محدودی قواعد آوایی، دستوری، معنایی و تعداد محدودی واژه بتواند از طریق دستگاه گفتار آدمی بی‌نهایت جمله بسازد و از این طریق بین افراد جامعه ارتباط برقرار کند.

۱. این همایش در تاریخ ۱۳ آذر ماه ۱۴۰۰ برگزار گردید.

پس ملاحظه می‌فرمایید که طبق این تعریف همه‌ی گونه‌های زبان گفتاری را می‌توان زبان نامید. توضیح این که وقتی زبان گفتاری به صورت نوشته درمی‌آید زبان نوشتاری (written language) نام می‌گیرد.

لهجه (accent)

گونه‌هایی از یک زبان است که با هم تفاوت‌هایی آوایی و واژگانی دارند و گویندگان آنها با یکدیگر تفاهم کامل برقرار می‌کنند. مثلاً یک اصفهانی با قمی، شیرازی یا مشهدی و بجنوردی مشکلی در درک مفاهیم ندارد و یا گویندگان گونه‌های مختلف کردی، گیلکی، بلوچی و مازندرانی تا جایی که یکدیگر را می‌فهمند لهجه‌هایی از یک گویش یا زبان واحدند. همچنین انگلیسی آمریکایی و انگلیسی بریتانیایی لهجه‌هایی از زبان انگلیسی به حساب می‌آیند، گرچه در نوشته‌های زبانی انگلیسی آنها را dialect می‌نامند.

گویش (dialect)

شاخه‌هایی از یک زبان واحد است که با هم تفاوت‌های آوایی، واژگانی و نیز دستوری دارند و گویندگان آنها با یکدیگر تفاهم ندارند. مثل کردی، بلوچی، سمنانی، گیلکی و مازندرانی که با هم فهم متقابل ندارند و یا انگلیسی سیاهپوستان آمریکا (black English) که فهم زبانشان برای سایر انگلیسی‌زبان‌ها مشکل است. در اینجا لازم است گفته شود که فارسی، کردی، بلوچی، گیلکی، سمنانی، مازندرانی و جز آن شاخه‌هایی از زبان ایرانی مادرند. ضمناً بر این نکته تأکید می‌کنم که گویش‌ها را می‌توان زبان محلی نیز نامید و زبان محلی در مقابل زبان رسمی (official language) یا زبان ملی (national language) قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های زبان سمنانی

زبان‌های محلی ایران غالباً بسیاری از ویژگی‌های زبان‌های باستانی ایران را در خود حفظ کرده‌اند و سمنانی یکی از این زبان‌ها است. من در اینجا ویژگی‌های مهم این زبان را فقط با ذکر یکی دو مثال بیان می‌کنم؛ و نظر مخاطبین عزیز را به کتاب «فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران» که چاپ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است جلب می‌نمایم. در این کتاب که در سال ۱۳۸۸ برنده‌ی جایزه‌ی فصل جمهوری اسلامی ایران و در سال ۱۳۸۹ برنده‌ی جایزه‌ی سال گردید مثال‌های فراوانی از همه‌ی ویژگی‌های زبان سمنانی آورده‌ام.

(۱) ویژگی ارکتیو یا کنائی که در بسیاری از زبان‌های غیر ایرانی نیز وجود دارد، معمولاً در

زبان‌های ایرانی خود را با کاربرد ضمیر شخصی به جای شناسه‌ی فعلی در افعال متعدی در زمان گذشته نشان می‌دهد. مثال از سمنانی:

bo-xor-d-eš (مذکر و مؤنث) خورد

be-nyest-ø (مذکر) نشست

be-nyest-a (مؤنث) نشست

ملاحظه می‌گردد که در فعل گذشته متعدی «خورد» به جای شناسه‌ی فعلی، ضمیر شخصی پیوسته سوم شخص مفرد eš- آمده، ولی در فعل گذشته لازم «نشست»، شناسه‌ی فعلی ø- برای سوم شخص مذکر و a- برای سوم شخص مؤنث به کار رفته است.

۲) جنس (gender) در سمنانی هم به صورت جنس طبیعی و هم به صورت جنس دستوری وجود دارد. جنس طبیعی به جنس واقعی موجودات زنده در جهان بیرون دلالت می‌کند، مانند زن و مرد، دختر و پسر، خواهر و برادر و مرغ و خروس. ولی جنس دستوری بر اثر قراردادهایی که در هر جامعه‌ی زبانی وجود دارد نشانه‌های دستوری با تغییر جنس متفاوت می‌گردند، مانند:

mirdekā مرد

ženikā زن

که مثالی برای جنس طبیعی در سمنانی است ولی دو مثال زیر جنس دستوری را در این گویش نشان می‌دهند:

i mirdekā یک مرد

i-ya ženikā یک زن

در سمنانی جنس دستوری در نشانه‌ی نکره، صفت اشاره، ضمیر فاعلی سوم شخص، ضمیر مفعولی سوم شخص مفرد، ضمیر ملکی سوم شخص مفرد و نیز در شناسه‌ی فعلی سوم شخص مفرد فقط در افعال گذشته لازم مؤنث خود را نشان می‌دهد، مانند:

u bo-xot-ø (مذکر) او خوابید

un-a bo-xot-a (مؤنث) او خوابید

۳) حالت (case) نقش دستوری اجزای جمله را نسبت به فعل مشخص می‌کند. اجزای جمله عبارت‌اند از فاعل، مفعول و قید که هر کدام می‌توانند به صورت یک اسم، یک ضمیر و یا به صورت

گروه کلمات باشند. در زبان‌های باستانی ایران اسم دارای ۸ حالت بوده و در زبان سمنانی نیز اسم دارای ۸ حالت است که برای اسم مفرد مذکر و مؤنث و اسم جمع مذکر و مؤنث متفاوت می‌گردد، مانند:

asb-i	اسم، مفرد، مذکر، مفعولی (اسب را)
mādiyun-in	اسم، مفرد، مؤنث، مفعولی (مادیان را)
asb-un	اسم، جمع، مذکر، مفعولی (اسب‌ها را)
mādiyun-un	اسم، جمع، مؤنث، مفعولی (مادیان را)

ملاحظه می‌گردد که پایانه‌های حالت در ارتباط با شمار و جنس متفاوت می‌گردند. (۴) حرف اضافه پسین (post position) در زبان سمنانی به فراوانی به کار می‌رود. به این معنی که برخلاف فارسی معیار، حرف اضافه همیشه پس از قید یا مفعول قرار می‌گیرد، مانند:

deryā pi از دریا

ow-in pi از آب

ملاحظه می‌گردد که pi به معنی «از» پس از اسم آمده است.

(۵) قلب مضاف و مضاف‌الیه نیز در سمنانی فراوان است، مانند:

mö moqābel مقابل من

mö kiya خانه‌ی من

ta moqābel مقابل تو

ta kiya خانه‌ی تو

(۶) هماهنگی عدد و معدود که در سمنانی برخلاف فارسی وجود دارد. به این معنی که معدود نیز نشانه‌ی جمع می‌گیرد، مانند:

dö jen-un دوزن

dö mird-un دو مرد

که -un- نشانه‌ی جمع است که پس از «زن» و «مرد» آمده است.

شعر سمنانی:

همین‌طور که قبلاً گفته شد اصل این شعر دارای ۱۲ بیت است که در اینجا برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام فقط ۲ بیت آن را می‌آورم:

tö b-â -ø mowj-i hama deryâ pi ve-yr-un
 yâ ku-yi bi-sotun-i jâ pi ve-yr-un
 ne-vâ -yâ -ø âšoq-i pi dast be-nj-e
 če-tow a dast az en sowdâ pi ve-yr-un

چنانکه ملاحظه می‌شود در این ۲ بیت شعر چهار نمونه حرف اضافه پسین با «از» /pi/ آمده است.

برگردان شعر سمنانی به فارسی:

تو بگو همه امواج را از دریا بردارم
 یا کوه بیستون را از جا بردارم
 نگو از عاشقی دست بردارم
 چطور من از این سودا دست بردارم

منابع

- پناهی سمنانی، محمداحمد (۱۳۷۹). دوبیتی‌های بومی سرایان ایران. تهران: سروش.
 کلباسی، ایران (۱۳۸۴). «ویژگی‌های شاخص گویش سمنانی». زبان و زبان‌شناسی. س ۱، ش ۲، ۱۴۱-۱۳۷.
 کلباسی، ایران (۱۳۸۸). فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 کلباسی، ایران (۱۴۰۰). «آیا سمنانی زبان است یا گویش؟». پژوهش‌هایی درباره‌ی کرانه‌های دریای کاسپین.
 به‌سرپرستی طیار یزدان‌پناه لموکی. دفتر چهارم و پنجم، ۱۳۸-۱۲۷.
 مقدسی، علی محمد (۱۳۸۵). سامانه‌های صرفی و نحوی در گویش سمنانی. سمنان: انتشارات آبرخ.